

# ایران، آسیای مرکزی و قفقاز: بررسی مقولهٔ سطح تحلیل در روابط اقتصادی و سیاسی

سیدمحمدکاظم سجادپور<sup>۱</sup>

در این نوشتار، در جهت ترسیم پایه‌های اولیه روش تجزیه و تحلیل رفتار ایران، به یکی از موضوعات عمده در متدولوژی روابط بین‌الملل یعنی سطح تحلیل پرداخته می‌شود و سعی می‌گردد که برای این پرسشها پاسخی مناسب فراهم آید: چه سطوحی از تحلیل را می‌توان در بررسی رفتار جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مشخص کرد؟ آیا تفکیک سطوح مختلف تحلیل در خصوص رفتار ایران در مناطق مزبور، از نظر تجزیه و تحلیل سودمند است؟ ویژگی‌های هرکدام از سطوح تحلیل در این راستا کدامند؟ لب کلام این نوشتار آن است که ۱- روابط ایران با مجموعه کشورهای عضو شوروی سابق در چهار سطح بین‌المللی منطقه‌ای، ملی و استانی قابل شناخت و بررسی است. ۲- این تفکیک سطوح، وسیله‌ای تحلیلی برای ترسیم نقش ایران در حوزهٔ سیاست و اقتصاد است و ۳- سطوح تحلیلی چهارگانه به نحو مؤثری بر یکدیگر تأثیر دارند و نمی‌توان هیچ‌یک از آنها را نادیده گرفت. به عبارت دیگر تحلیل جامع و همه‌جانبه‌ای از رفتار ایران در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی در گرو توجه به تک‌تک سطوح مورد نظر است.

## طرح موضوع

سقوط شوروی، دوران جدیدی را در روابط بین‌الملل گشود و تحولی بنیادین در تماسی ابعاد زندگی بین‌المللی ایجاد نمود. از زمرهٔ این تحولات ساختاری می‌توان به ماهیت دگرگون

۱. دکتر سیدمحمدکاظم سجادپور، عضو هیئت علمی دانشکدهٔ روابط بین‌الملل و رئیس‌گروه سازمانها و حقوق بین‌الملل در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی می‌باشند.

شده نظام توزیع قدرت در سطح جهانی، شکل جدید مناسبات منطقه‌ای، اهمیت یافتن بیشتر عنصر اقتصادی در روابط بین کشورها، افزایش تعداد بازیگران دولتی در مجامع بین‌المللی و پُررنگ‌تر شدن نقش قومیت، مذهب و خرده ناسیونالیسم<sup>۱</sup> اشاره کرد. در یک کلام دوران بعد از فروپاشی شوروی، دنیایی ماهیتاً متفاوت با دوران پیشین به وجود آمد.

برای ایران، به‌عنوان یکی از همسایه‌های عمده شوروی سابق تحولات جدید سرنوشت‌ساز بوده و باعث شکل‌گیری مرحله نوینی در سیاست خارجی این کشور شد. در این مرحله، نه فقط ماهیت دول همسایه ایران دستخوش تغییر و تحول گردید و بر اعداد همسایگان شمالی افزوده شد، بلکه مفاهیم مربوط به بررسی روابط دوجانبه ایران با همسایگان شمالی نیز رنگ دگرگونی به‌خود گرفت. تا قبل از فروپاشی شوروی، روابط ایران و سپس جمهوری اسلامی ایران با منطقه شمال عمدتاً بر محور رابطه نامتقارن<sup>۲</sup> قابل توضیح و تحلیل بود.<sup>(۱)</sup> قدرت ایران به‌عنوان کشوری جهان‌سومی با قدرت همسایه شمالی، اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یک ابرقدرت برابری نداشت. این عدم برابری و حالت نامتقارن از نظر شاخصه‌ها و مؤلفه‌های کلاسیک قدرت به‌نفع همسایه شمالی بود.<sup>(۲)</sup> فروپاشی شوروی به این مفهوم، هم در عرصه تجزیه و تحلیل‌های تئوریک و هم از نظر رفتار عملی سیاسی پایان بخشید و نقش و سرنوشت جدیدی برای ایران در عرصه مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی رقم زد.

نقش جدید ایران در مجموعه و منظومه‌ای از روابط دوجانبه و چندجانبه و در حوزه‌های مختلف و متعددی قابل طرح و بررسی است و در این خصوص دیدگاه‌های متنوع و رنگارنگی مطرح شده است.<sup>(۳)</sup> ولی شیوه درست تحلیل و درک رفتار<sup>۳</sup> ایران چندان مد توجه واقع نگردیده است. این پرسش که از نظر تحلیلی<sup>۴</sup> چه شیوه‌ای را برای درک رفتار ایران در مناطق جدید - آسیای مرکزی و قفقاز - مناسب است در ادبیات مربوط به مطالعات معاصر آسیای مرکزی و قفقاز به‌طور دقیق مطرح نشده و بالطبع جواب در خور و شایسته‌ای را نمی‌توان برای آن یافت.<sup>(۴)</sup>

در این نوشتار، در جهت ترسیم پایه‌های اولیه روش تجزیه و تحلیل رفتار ایران، به یکی از موضوعات عمده در متدلوژی روابط بین‌الملل یعنی سطح تحلیل<sup>۵</sup> پرداخته می‌شود و سعی می‌شود که برای این پرسشها پاسخهای مناسبی فراهم آید؛ چه سطوحی از تحلیل را می‌توان در بررسی رفتار جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مشخص کرد؟ آیا تفکیک

1. Micro Nationalism

2. Asymmetrical Power Relationship

3. Behavior

4. Analytical

5. Level of Analysis

سطوح مختلف تحلیل در خصوص رفتار ایران در مناطق مزبور، از نظر تجزیه و تحلیل سودمند است؟ ویژگی‌های هر کدام از سطوح تحلیل در این راستا کدامند؟

لب کلام این نوشتار آن است که اولاً روابط ایران با مجموعه کشورهای عضو شوروی سابق را در چهار سطح بین‌المللی<sup>۱</sup> منطقه‌ای<sup>۲</sup>، ملی<sup>۳</sup> و استانی<sup>۴</sup> قابل شناخت و بررسی است و ثانیاً این تفکیک سطوح، وسیله‌ای تحلیلی برای ترسیم نقش ایران در حوزه سیاست و اقتصاد است و ثالثاً سطوح تحلیلی چهارگانه به نحو مؤثری بر یکدیگر تأثیر دارند و نمی‌توان هیچ‌یک از آنها را نادیده گرفت. به عبارت دیگر تحلیل جامع و همه‌جانبه‌ای از رفتار ایران در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی در گرو توجه به تک‌تک سطوح مورد نظر است.

درک بهتر دیدگاه فوق با طرح مختصری از مباحث مربوط به سطح تحلیل در ابتدا و سپس با بررسی سطوح چهارگانه پیشنهادی بین‌المللی منطقه‌ای، ملی و استانی میسر خواهد شد. در خصوص سطح تحلیل باید گفت که هر پژوهشگری در انتخاب موضوع، گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات با این چالش روبه‌روست که بر روی چه محدوده‌ای یا به اصطلاح واحدی<sup>۵</sup> باید تمرکز کند. آیا باید محدوده تجزیه و تحلیل او خرد<sup>۶</sup> و جزءنگرایانه باشد و یا کلان<sup>۷</sup> و کل‌نگر؟ انتخاب واحد و یا محدوده تحلیل کمک بزرگی به محقق در مراحل مختلف تحقیق است. تمرکز روی هریک از سطوح و محدوده دارای فواید و مضار خاص خود می‌باشد. (۵)

در بررسی رفتار ایران در مجموعه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در حوزه‌های سیاست و اقتصاد، چهار سطح تحلیل، قابل تفکیک از یکدیگرند در هر کدام از این سطوح، مباحث و مقوله‌های خاص و ویژه‌ای وجود دارد، شناسایی این مباحث در ترسیم فرصتها و چالشهای فراروی ایران ذهن را برای تجزیه و تحلیل منظم‌تر می‌سازد. این سطوح عبارت‌اند از: سطح بین‌المللی، سطح منطقه‌ای، سطح ملی و سطح استانی.

## ۱. سطح بین‌المللی

فروپاشی شوروی از نظر بین‌المللی، همراه با پایان دادن به جنگ سرد دو ابرقدرت، این امکان که ایران بتواند ابرقدرتی را علیه ابرقدرت دیگر به‌بازی بگیرد را از بین برد. طی سه قرن

1. International

2. Regional

3. National

4. Provincial

5. Unit

6. Micro

7. Macro

گذشته، ایران بارها، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی از تنش دوا بر قدرت استفاده کرده و امتیازاتی را نصیب خود کرده بود.

همراه با از بین رفتن این امکان، در یک سطح بین‌المللی ایران فرصت‌های جدیدی را به دست آورد. از جمله این فرصت‌ها می‌توان به دو پدیده بین‌المللی اشاره کرد. پدیده اول جمهوری اسلامی ایران به کانون ارتباطات بین‌المللی اقتصادی و سیاسی مناطق آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شد. این کانون ارتباطی، ریشه در ساختار جغرافیایی ایران از یک سو و سیاست خارجی عملی این کشور از سوی دیگر دارد. تمامی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به استثنای گرجستان کشورهای محاط و بسته‌ای هستند که راه ارتباطی اقتصادی آنها با دنیا به طور مستقیم و غیرمستقیم از ایران می‌گذرد.

کشورهای دیگر جهان که مایل به گسترش مناسبات اقتصادی با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقازند چاره‌ای جز استفاده از راه‌های زمینی و یا فضای پنج کشور ایران، چین، ترکیه، افغانستان و روسیه ندارند و جالب آنکه در بین پنج کشور یاد شده ایران در یک موقعیت ارتباطی ویژه قرار دارد. چین صرفاً با بخشی از آسیای مرکزی - قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان هم‌مرز است. در عین حال باید در نظر داشت که راه‌های ارتباطی آسیای مرکزی با چین، نسبتاً دور می‌باشد. افغانستان درگیر جنگی داخلی است و مهمتر آنکه خود کشوری محاط می‌باشد. ترکیه فقط با ارمنستان هم‌مرز است و جالب آنکه برای ارتباطات اقتصادی خود نیازمند راه‌های ارتباطی ایران می‌باشد.

تنها روسیه و ایران با دو منطقه آسیای مرکزی و قفقاز هم‌مرز می‌باشند.<sup>(۶)</sup> اما روسیه خود همیشه از نظر تاریخی، مشکل دسترسی به آب‌های آزاد را داشته است. تنها ایران می‌ماند که با آسیای مرکزی و قفقاز و روسیه از طریق خاک و دریا ارتباط دارد و این امکان ارتباط در سطحی بین‌المللی قابل تعمق و بررسی است.

پدیده دومی که در سطح بین‌المللی تحلیل در خصوص رفتار ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جلب توجه می‌کند، مقوله ادغام در سیستم اقتصاد بین‌المللی است. بدون استفاده از خطوط ارتباطات ایران، ادغام کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سیستم اقتصاد بین‌المللی میسر نیست. بهترین گواه در این رابطه را می‌توان در مسئله لوله‌های نفتی جمهوری‌های نفت خیز آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان یافت. میزان ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی خود مقوله‌ای قابل بحث است ولی می‌توان به سهولت بیان داشت که نفت عمده‌ترین حلقه پیوند اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی می‌باشد. از نقطه نظر بهره‌برداری از امکانات مواصلاتی و همچنین

تجربه اداری و بین‌المللی ایران، مسیر ادغام کشورهای نفت‌خیز آسیای مرکزی و قفقاز در اقتصاد جهانی نفت با نادیده گرفتن موقعیت ایران قابل تصور نیست.<sup>(۷)</sup>

## ۲. سطح منطقه‌ای

در سطح تحلیل منطقه‌ای، رفتار ایران را می‌توان در سه موضوع بررسی نمود. موضوع اول همکاری‌های اقتصادی منطقه‌است که عمده‌ترین قالب فکری و اجرایی آن سازمان همکاری اقتصادی<sup>۱</sup> (اگو) می‌باشد. در عصر بعداز جنگ سرد که همکاری‌های منطقه‌ای در حال گسترش است، اگو می‌رود تا به یکی از وسیع‌ترین حوزه‌های جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل گردد. به نظر می‌رسد که اهمیت اگو نه تنها برای اعضا، بلکه برای دیگر سازمانها و بازیگران بین‌المللی نیز مطرح شده و به‌عنوان یکی از مجاری برقراری ارتباطات اقتصادی مورد شناسایی واقع گردیده است. ناگفته نماند که اگو با مشکلات ساختاری و ویژه‌ای روبه‌روست ولی به‌رحال تردید نمی‌توان داشت که اولاً ایران نقش و موقعیتی کلیدی در تحرک بخشیدن به اگو ایفا کرده است و ثانیاً اگو ظرفیت اقتصادی مناسبی برای گسترش همکاری منطقه‌ای دارد.<sup>(۸)</sup>

موضوع دوم در سطح منطقه‌ای رفتار ایران، علاقه‌مندی به گسترش سازمانهای دیگر منطقه‌ای است. برجسته‌ترین آنها، سازمان همکاری‌های کشورهای ساحلی دریای خزر می‌باشد. دریای خزر به‌عنوان بزرگترین دریاچه جهان، دربرگیرنده ذخائر عظیمی از نفت و گاز و پل ارتباطی بین آسیای مرکزی و قفقاز است. ایران در مقایسه با سایر کشورهای ساحلی این دریا یعنی قزاقستان، ترکمنستان، روسیه و جمهوری آذربایجان، بر همکاری‌های گوناگون در این دریا بیشتر پافشاری نموده است. آینده همکاری‌های اقتصادی در این دریا بستگی به عوامل و شرایط گوناگون از جمله تعیین وضعیت حقوقی، راه‌اندازی سازمان اداری مناسب و هماهنگی بیشتر اعضا دارد.<sup>(۹)</sup>

در سطح تحلیل منطقه‌ای سومین موضوع نقش منطقه‌ای ایران در برقراری صلح و حل منازعات درون جمهوری‌های منطقه - منازعه و جنگ داخلی در تاجیکستان - و بین جمهوری‌های منطقه - منازعه بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان می‌باشد. این نقش که عمدتاً ماهیتی سیاسی دارد، دربرگیرنده موفقیتها و عدم موفقیتهای مخصوص خود است ولی نگاهی کلی به این نقش ظرفیت منطقه‌ای ایران ابعاد سیاسی و امنیتی را نشان می‌دهد.<sup>(۱۰)</sup>

### ۳. سطح ملی

در سطح ملی تحلیل، در شناخت رفتار ایران در آسیای مرکزی و قفقاز سه مطلب قابل توجه به چشم می‌خورد. مطلب اول نوعی اجماع ملی در لزوم گسترش پیوندهای مختلف با مناطق آسیای مرکزی و قفقاز است. اجماع موجود بین تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، رسانه‌های گروهی و محافل دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران در لزوم توسعه مناسبات اقتصادی و سیاسی با جمهوری‌های جدیدالاستقلال به حدی است که شاید بتوان گفت در کمتر مقوله‌ای بین‌المللی این درجه از همراهی وجود دارد. مطلب دوم در سطح ملی، اهمیت یافتن شورای امنیت ملی، به‌عنوان کانونی از تصمیم‌گیری دسته‌جمعی و هماهنگ‌کننده امور سیاست خارجی است. مخصوصاً در مراحل حساس و پیچیده فروپاشی و بعد از فروپاشی شوروی، تصمیمات شورای امنیت ملی در چارچوب تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران نقشی کلیدی و حساس داشت.

سومین مطلب در سطح ملی، به‌وجود آمدن تدریجی گروهی از کارشناسان، دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به امور آسیای مرکزی در حوزه‌های مختلف است و این پدیده‌ای جدید می‌باشد. توضیح آنکه در دوران قبل از انقلاب کسانی که به مسائل شوروی علاقه‌مند بودند کم‌وبیش نادر و نوعاً با بار جانبداری از شوروی و یا ضدیت با آن، مسائل مربوط را دنبال می‌کردند. این مسئله دستخوش تحول شده و روزبه‌روز علاقه‌مندی به درک مسائل آسیای مرکزی و قفقاز در حال افزایش است. در بخش خصوصی ایران، بوضوح می‌توان گروهی را مشاهده کرد که به مسائل اقتصادی منطقه علاقه داشته و در زمینه مبادلات تجاری با آسیای مرکزی و قفقاز به‌مرور صاحب اطلاعات و تخصص بی‌نظیری شده است.

در بین محافل دانشگاهی، تحقیقاتی و مطبوعاتی جمهوری اسلامی ایران نیز علاقه‌مندی به امور آسیای مرکزی و قفقاز روبه افزایش است. در بین کارشناسان و نهادهای دولتی و بخش خصوصی در سطح ملی سه بخش توجه بیشتری به مسائل آسیای مرکزی و قفقاز می‌نمایند؛ ریشه این توجه در ماهیت و چگونگی حرفه آنها قرار دارد. این بخشها عبارت‌اند از: صنعت نفت و گاز، صنعت حمل و نقل و صنعت مواد غذایی.<sup>(۱۱)</sup>

### ۴. سطح استانی

یکی از جالب‌ترین پدیده‌های قابل توجه در بررسی رفتار ایران در مجموعه جمهوری‌های شوروی پیشین، طرح و اهمیت یافتن استانهای مرزی ایران در شمال کشور در

مناسبات با همسایگان جدید است. در این سطح از تحلیل سه موضوع برجستگی دارد. موضوع اول گسترش مناسبات انسانی در دو سوی مرز است. باز شدن مرزهایی که حدود هفتادسال عملاً بسته بودند، باعث افزایش رابطه مردم با مردم<sup>۱۲</sup> شده است. یکی از عمده‌ترین اقدامات سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در این جمهوری‌ها صدور ویزای توریستی می‌باشد. در برخی از نمایندگی‌ها، روزانه حدود صد ویزای دیدار از جمهوری اسلامی ایران صادر می‌شود. غالب این توریستها به استانهای مرزی ایران مسافرت می‌کنند و جالب آنکه نوعاً علاقه‌مند به خرید کالاهای ایرانی‌اند. بعضی از تخمینها حاکی از آن است که هرکدام از این توریست - تاجرها رقمی حدود سه‌هزار دلار با خود به ایران می‌آورند و در استانهای مرزی ایران و عمدتاً خراسان خرید می‌کنند.

رابطه مردم با مردم، یک‌سویه نبوده و از استانهای مرزی ایران، تجار و پبله‌وران ایرانی راهی منطقه شده و در حال حاضر کمتر شهر عمده و پایتختی در منطقه را می‌توان یافت که در آن تجار ایرانی حضور نداشته باشند. هرچند که این تجار از همه مناطق ایران هستند ولی اکثریت از اهالی استانهای مرزی هستند. روابط مردم با مردم بین استانهای مرزی باعث رشد زبان فارسی، گویشهای محلی و زبان روسی گردیده است. شاید اولین مرتبه باشد که بعد از فروپاشی یک امپراتوری و ابرقدرت، زبان آن در خارج از مرزهایش گسترش بیشتری یابد.

موضوع دوم در بررسی سطح استانی تحلیل رفتار ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، گسترش دستگاههای اداره‌کننده روابط خارجی در این استانها می‌باشد. افتتاح نمایندگی‌های وزارت امور خارجه در تبریز و مشهد طی دو سال گذشته خود نشانگر اهمیت یافتن این استانها در مناسبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خارجی است. گشایش کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران در مرو (در ترکمنستان) و جمهوری خودمختار نخجوان نیز پرتویی دیگر از گسترش دستگاههای مسئول امور سیاست خارجی به‌طور اعم که دربرگیرنده امور کنسولی است را روشن می‌کند. در مجموع باید گفت مشهد و تبریز، به کانونهای توجه منطقه‌ای تبدیل شده و تحولات اقتصادی آسیای مرکزی از مشهد و تحولات اقتصادی قفقاز از تبریز انفکاک‌ناپذیرند.<sup>۱۳</sup> در عین تأکید بر اهمیت یافتن استانهای مرزی در مناسبات خارجی نباید فراموش کرد که طبق قوانین داخلی و بین‌المللی و همچنین عرف جاری در جامعه جهانی، اداره سیاست خارجی به‌عهده مرکز است.

سومین موضوع در بررسی سطح استانی، گسترش فعالیت بخش خصوصی ایران در استانهای مرزی است. بدین صورت که غالب شرکتها و مؤسسات اقتصادی در بخش خصوصی که قصد فعالیت در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز دارند دفاتر خود را در استانهای مرزی ایران مستقر ساخته‌اند. این پدیده مخصوصاً در مورد صنعت حمل و نقل مصداق بیشتری دارد.

### نتیجه گیری

همانگونه که مشاهده شد مقوله سطح تحلیل در بررسی رفتار جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کارآیی تحلیلی مناسبی دارد. سطوح چهارگانه بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و استانی می‌تواند توضیح‌دهنده جوانب گوناگون رفتار ایران در مناطق باز شده آسیای مرکزی و قفقاز باشد. نگاهی گذرا به این سطوح تحلیل نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ همجواری با آسیای مرکزی و قفقاز، اهمیتی جهانی و منطقه‌ای دارد و تحولات این مناطق بر آن تأثیری شگفت دارد. کنار طرح مقوله سطح تحلیل، به نظر می‌رسد که مفهوم وابستگی متقابل<sup>۱</sup> توضیح‌دهنده مناسب دیگری است که بحث مستقلی را می‌طلبد.

شایان ذکر است که این نوشتار تمرکز اصلی بر شناسایی سطوح تحلیل در دو زمینه سیاست و اقتصاد بود. حوزه فرهنگ نیز حائز اهمیت بوده و نیازمند شناسایی سطوح مختلف تحلیل ویژه خود است. در آن حوزه، حضور عنصر فرهنگ اسلامی و ایرانی برجستگی داشته و در عین ارتباط با حوزه سیاست، فرهنگ ظرافتهای خاص خود را دارد. به علاوه نقش روسیه در تحولات اقتصادی و سیاسی منطقه و تأثیر این عامل بر روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز در خور توجه مستقلی است.

در مجموع با توجه به آنچه که گذشت طرح این نگرش حرکت در مرز واقع‌بینی است که تحولات آسیای مرکزی و قفقاز را بدون عنصر ایران نمی‌توان تحلیل کرد و رابطه متقابلی در سطوح مختلف بین ایران و منطقه مخصوصاً در عرصه سیاست و اقتصاد وجود داشته و این حلقه‌های ارتباطی در حال گسترش است. تمامی این سطوح تحلیل، ردکننده بینشهای ساده‌انگارانه در مورد رفتار جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌باشند.



## یادداشتها

۱. برای آشنایی کلی و اجمالی در مورد رابطه قدرتهای نامتقارن و همسایه نگاه کنید به:  
Charles Doran, «Living with Asymmetry», *Mershon International Studies Review*, Vol.38, Supplement 2, (oct 1994), pp.260-264.
۲. برای بررسی بیشتر رابطه نامتقارن در روابط ایران و شوروی سابق نگاه کنید به:  
Seyed Kazem Sajjadpour, *Iranian - Soviet Relations in a Security Perspective: 1979- 86*; Unpublished Ph.D Dissertation (Washington D.C: The George Washington University, 1991), pp.91-303.
۳. چندی بعد از فروپاشی شوروی، در ادب دیدگاههای مغرضانه و ساده‌انگارانه‌ای درباره رفتار ایران در آسیای مرکزی و قفقاز مطرح شد. برای مروری بر این دیدگاهها مراجعه کنید به سیدمحمدکاظم سجادیپور، نگرشهای موجود در غرب درباره رفتار ایران با جمهوری‌های شوروی سابق، *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شماره دوم (پاییز ۱۳۷۱)، صص ۹-۱۱۶.
4. Rouhollah Ramazani, *Iran's Foreign policy 1941-1976. A Study of Foreign Policy in Modernizing Nations* (Charlottesville: University Press of Virginia, 1976), pp. 171-215.  
۵. در خصوص مباحث سطح تحلیل نگاه کنید به:  
سیدحسین سیف‌زاده، *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، (تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۲)، چاپ سوم، صص ۳۵-۵۱.  
James E. Dougherty and Robert L. Pfaltzgraf, *Contending Theories of International Relations: A Comprehensive Survey* (New York: Harper & Row, 1981), Second Edition, p.13.
۶. به‌طور کلی روسیه نقش فوق‌العاده مهمی در تمام تحولات منطقه دارد و هیچ رابطه دوجانبه و چندجانبه بدون توجه به نقش منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه در امور این جمهوری‌ها قابل تجزیه و تحلیل نیست. در مورد نقش روسیه در تحولات اقتصادی و سیاسی منطقه نگاه کنید به:  
Danial C. Diller, *Russia and the Independent States* (Washington D.C: Congressional Quarterly Inc., 1993), pp. 141-190.  
Victor A. Kremengurk, *Conflicts in and Around Russia: Nation Building in Difficult Times*, (Westport: Greenwood Press, 1994), pp.67-148.
۷. در زمینه مسائل نفتی در منطقه و اولاً در جمهوری اسلامی ایران با این موضوع در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی نگاه کنید به فریدون برکشلی، «نظم نوین جهانی و ضرورت همکاری‌های نفتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی»، *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دوره دوم، شماره ۴ (پاییز ۷۳)، صص ۲۶-۹.
- محمدسریر و نرسی قربان «تحولات صنعت نفت آذربایجان و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی آن»، *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شماره ۱، (بهارستان ۱۳۷۲)، صص ۱۶۹-۱۸۴ و: «حضور فعالانه وزارت نفت در کشورهای مسلمان‌نشین آسیای مرکزی»، رسالت، ۷۳/۷، صص ۱۰.
۸. در خصوص توجه ایران به گسترش روابط منطقه‌ای نگاه کنید به:

عباس ملکی، «روابط ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی»، سخنرانی در انستیتو روابط بین‌الملل چین، خرداد ۱۳۷۱، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره اول (تابستان ۱۳۷۱، صص ۱۰-۵). الهه کولایی، «نقش اکو در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، (بهار ۱۳۷۳، صص ۳۴۲-۲۳۵).

۹. نگاه کنید به:

محمدرضا دبیری، «رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان مبنایی برای صلح و توسعه»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، (تابستان ۱۳۷۳)، صص ۱-۲۰.

۱۰. نگاه کنید به:

مهرداد محسنین و حسین صادق‌عابدین، «بحرانهای منطقه‌ای و تلاشهای سازنده جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۶، (پاییز ۱۳۷۳) و صص ۱-۸.

۱۱. در مورد چگونگی ارتباط بخشهای مختلف اقتصادی ایران با منطقه نگاه کنید به: مرکز توسعه صادرات ایران، بررسی همکاری‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۳۷۱، تهران: وزارت بازرگانی، ۱۳۷۲.

۱۲. توجه به عنصر استانهای مرزی در توسعه روابط ایران با منطقه در جراید کشور و همچنین جراید محلی در استانهای مزبور منعکس است. به عنوان نمونه نگاه کنید به:

منطقه گرگان، دروازه ورودی ایران به آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی، ۱۰/۳/۷۱، ص ۸.

۱۳. یکی از اولین کسانی که از دیدگاه مردم‌شناسی مسئله اهمیت یافتن مشهد را در مسائل آسیای مرکزی چند سال پیش مطرح ساخت، دکتر اشرف غنی، مردم‌شناس افغانی‌الاصیل و محقق بانک جهانی است. وی این مطلب را در کنفرانسی در دانشگاه ام‌آی‌تی مطرح ساخت. نگاه کنید به «گزینشهای آینده روسیه، قفقاز، آسیای مرکزی و ایران، آسیای جنوب غربی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۳، (زمستان ۱۳۷۱)، صص ۲۷۹-۳۰۰.